ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۰ | اذان مغرب ۱۹/۳۳ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۸ | اذان صبح فردا ۵/۲۰ | طلوع آفتاب فردا ۶/۴۵

سخن روز

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:
دو خصلت و حالتی که والاتر از آن دو چیز نیست عبارتند از: ایمان و اعتقاد به خداوند، نفع رساندن به دوستان و آشنایان.
«تحف العقول، ص.۴۸۹»

سعی کنید کارتان بزن درورویی نباشد

محمود پاک نیت: کار بد تماشاگر ندارد. بسیار به دوستان گفته‌ایم سعی کنید کارتان بزن درورویی نباشد و عجله‌ای کار نکنید. کار با شتاب قطعاً خروجی خیلی خوبی نخواهد داشت و نتیجه‌اش می‌شود همین مخاطب ۱۵ درصدی تلویزیون. من عقیده دارم وقتی قصه خوب است باقی قسمت‌ها هم ناخودآگاه خوب خواهد شد. در متن یک قصه خوب بازیگر می‌فهمد چه می‌خواهد، کارگردان می‌داند چه می‌کند و دلش نمی‌آید از کنار موضوعات ساده بگذرد، تهیه‌کننده برایش خرج می‌کند و همه تیم دست‌به‌دست هم می‌دهند که آن نوشته خوب یک خروجی خوب هم داشته باشد. نویسنده فیلمنامه باید جامعه‌شناس و روان‌شناس باشد که هم درکی از فرد و جامعه داشته باشد و هم شرایط را بداند و بنشیند و بنویسد، چون همه چیز عجله است نویسنده یا نمی‌نویسد یا صرفاً برای پول می‌نویسد.

بخشی از صحبت‌های این بازیگر تلویزیون و سینما با ایرنا

راه کاروان عشق از میان تاریخ می‌گذرد و هر کس در هر زمره که می‌خواهد ما را بشناسد داستان کربلا را بخواند، اگرچه خواندن داستان را سودی نیست اگر دل کربلایی نباشد.

شهید سید مرتضی آوینی – زاده ۲۱ شهریور ۱۳۲۶

جهل، علم و حکمت

یادداشت

محسن نفر
نوازنده و آهنگساز

گفتیم موسیقی احساس را منتقل می‌کند؛ خود احساس را. نه اینکه مانند زبان آن را وصف کند و مثل سایر هنرها، درباره آن بگوید. خودِ احساس را منتقل می‌کند! حال این احساس چیست؟ احساس نوعی ادراک شهودی و باطنی است. احساس به معنای ادراک است ولی عمیق‌تر از آن. معادل فهمیدن است. گفتیم فهم، کنار رفتن پرده جهل از مقابل عقل است! و با علم متفاوت است.

علم، مطلق دانایی است و البته دانای مطلق، علم مطلق دارد. علم، دانایی از هر قبیل و راجع به هر چیز است، اما آیا کسی که علم دارد، به غیر از دانای مطلق و هرکه را که او بخواهد، نسبت به آن فهم هم دارد؟ عالمان زیادند اما فهیمان کمند!

علم زیاد است ولی فهم کم است. **نه هرکه سربتراشد قلندری داند**؛ نه هرکه علمش زیاد باشد، فهمش زیاد باشد! صاحب علم، عالم و صاحب فهم، حکیم است! هم حکیم، علم دارد و هم عالم، اما حکیم به علم خود فهم دارد و عالم نه ضرورتاً!

پس عالم اگر از علم خود فهمی ندارد، چه علمی دارد و علم به چه دارد و میان علم او با جهل، چه تفاوتی است؟ و همینطور بین او و جاهل؟!

عالم، گاهی به علم خود، فهم دارد و گاهی نه! آنگاه که فهم دارد، با حکیم در فهم معادل است و آنگاه که فهم ندارد، با جاهل در عدم فهم معادل است! اما عالم هرگز نه همسطح حکیم است و نه جاهل! همسطح حکیم نیست، زیرا مانند او به همه دانسته‌هایش فهم ندارد و همه آنها را فهم نکرده است! و همسطح جاهل نیست، زیرا ۱- مانند او بی‌خبر نیست! ۲- به بعضی از دانسته‌های خود فهم دارد. عالم، ممکن است علم زیادی داشته باشد. جاهل، علم ندارد. عالم اگر تنها به یک چیز هم علم داشته باشد، نسبت به آن عالم است و از جاهل افضل است، زیرا جاهل حتی به آن مورد هم علم ندارد. دراینجا اهمیت، ظاهراً بر کمّیت است. اصلاً علم یعنی آگاهی و آگاهی در ساده‌ترین صورتش، یعنی خبر. کسی که علم دارد، خبردارد. هر قدر علمش بیشتر باشد، بیشتر خبر دارد! علم بیشتر، خبر بیشتر! جاهل، اصلاً خبری ندارد زیرا علمی ندارد. تمایز و مرتبت علم و جهل، در کمیت آن است. فرق عالم با جاهل تنها در علم است، یعنی آگاهی و بی‌خبری!

یعنی در میزان و مقدار آگاهی. جاهل تنها یک گام با عالم فاصله دارد. آن هم در آگاهی. عالم و جاهل از هیچ لحاظ با هم تفاوت ندارند جز یک لحاظ. آن هم علم و آگاهی! بگو همین یک قدم، فاصله‌ای از فرش تا عرش است! فاصله‌ای که هرگز از میان نمی‌رود و هرگز برطرف نمی‌شود! آری اما کم می‌شود! جاهل هر قدر در کسب علم، یعنی آگاهی تلاش کند، فاصله خود را با عالم کمتر می‌کند. این کمتر و بیشتر، حکایت از کمیت دارد. تفاوت عالم و جاهل، تفاوت در کمیت علم است؛ تفاوت کمّی. اما عالم با همه مرتبت و معرفتش یک تفاوت عمیق با حکیم دارد و آن تفاوت کیفی است. تفاوت در کیفیت علم. آن چیست؟ فهم! فهم، شرط کیفیت علم است! هرقدر فهم بیشتر باشد، کیفیت علم بالا می‌رود و هر قدر مقدار علم بیشتر باشد، کمیت علم بالا می‌رود. تفاوت عالم و جاهل در کمیت است و تفاوت عالم و حکیم، در کیفیت. عالم آنگاه به کیفیت می‌رسد که به علم خود، فهم داشته باشد و آن را فهم کرده باشد. در این صورت، تفاوتش با جاهل، تفاوت کمی و کیفی است و هم دراین صورت است که با حکیم، هم‌تراز می‌شود.

اما عالم هرگز حکیم نیست. حکیم حتماً عالم است! عالم، وقتی حکیم می‌شود که اولاً به علم خود، فهم داشته باشد. علم خود را فهمیده باشد. ثانیاً حکمت آن را هم بداند! پس **نه هرکه سربتراشد، قلندری داند!** عالم، ممکن است علم خود را فهم کند ولی هنوز حکیم نیست! آنگاه به حکمت می‌رسد که، حکمت آنچه را که فهمیده است هم فهمیده باشد «**چو هردری که گشودم رهی به حیرت داشت/ از این سپس من و رندی و وضع بی‌خبری**». پس تفاوت حکیم با عالم، تفاوت کیفی است. ممکن است عالم، علمش بیشتر از حکیم باشد، ولی فهمش کمتر است! و این تفاوت در کیفیت است!

عالم آنگاه که به همه علمش، فهم داشته باشد، به نیمی از حکمت رسیده است. نیم دیگر، فهم حکمت معلوماتش است! حکمت معلومات یا علم، چیست؟ فهمیدن اینکه، چرا چنین شد و چرا چنین می‌شود و چرا چنین خواهد شد و چگونه چنین شد و چگونه چنین می‌شود و چگونه چنین خواهد شد! «**زکجا آمده‌ام، آمدنم بهرچه بود/ به کجا می‌روم آخر ننمایی وطنم**».

علم، دانستن است. حکمت فهمیدن و فهمیدن فهمیدن است. جهل، ندانستن و نفهمیدن. تفاوت حکیم با عالم، تفاوت کیفی است! تفاوت عالم با جاهل، تفاوت کمّی است! تفاوت حکیم با جاهل، تفاوت ماهوی است!

هم درد دارد و هم چیزی هست...

درنگ

صدیقه عاشوری
روان شناس

ساعت چهار صبح بود و من تنها پشت در اتاق اسکن ریه منتظر بودم تا مسئول اسکن بیاید. ایشان ۳۰ دقیقه تأخیر داشت. ضعف و بی‌حالی امانم را بریده بود. بغضم ترکید. گریه‌ام گرفت و کم‌کم گریه به هق هق تبدیل شد. آقای منشی بخش اسکن روبه‌رویم نشسته بود. با لحنی اعتراض گونه گفت: ترس نداره. در پاسخ گفتم: نمی‌ترسم، فقط حالم خوش نیست. آقای منشی دوباره گفت: «هیچی نیست، این همه گریه نداره.» ناراحت شدم که احساساتم را انکار می‌کند. با ناراحتی گفتم: «هر زمان که جسم و حال بد من را داشتید، آن وقت می‌توانید بگویید چیزی هست یا نه.»

این بار آقای منشی با لحنی که از حالت اعتراض خارج شده بود، گفت: «فقط می‌خواستم کمکت کنم.» من که حال خرابی داشتم و به‌شدت ضعیف شده بودم، با جدیت به او گفتم: «یعنی فکر می‌کنید اگر مدام تکرار کنید که ترسی ندارد، به من کمک کرده‌اید؟!»

ساعت به پنج صبح رسید، ناراحت بودم از اینکه با انسانی اینگونه صحبت کرده‌ام. به بخش اسکن برگشتم و از ایشان عذرخواهی کردم. آقای منشی دوباره تأکید کرد که فقط می‌خواستم کمکتان کنم. تشکر کردم و به ایشان گفتم که نیتشان بسیار ارزشمند و قابل احترام است ولی در جایگاه یک بیمار وقتی می‌بینم که به جای همدلی به نوعی از من خواسته می‌شود احساسم را سرکوب کنم، حس می‌کنم درک نمی‌شوم. در واقع این دقیقاً همان رفتاری است که در جامعه با کودکان انجام می‌شود. وقتی قرار است آمپول بزنند و... به آنها می‌گوییم: چیزی نیست،

درد ندارد. در حالی که هم درد دارد و هم در دنیای کودکانه چیزی هست. حالا با خودم فکر می‌کنم آقای منشی راست می‌گفت. واقعاً دلش می‌خواست کمک کند، اما روش مناسب همدلی کلامی را نمی‌دانست و مصداق آن مثل معروف بود که کسی می‌خواست ابرو را درست کند ولی ناخواسته چشم را کور کرد. ایشان هم متأسفانه مثل بیشتر مردم در فرهنگی زیسته و رشد کرده بود که از کودکی احساسات سرکوب می‌شوند و شیوه‌های پاسخ همدلانه به‌درستی در جامعه آموزش داده نمی‌شود. همان فرهنگی که به پسران از کودکی می‌گوید: مرد که گریه نمی‌کند!

شاید بهتر باشد کمی گسترده‌تر به مسأله نگاه کنیم، تصور کنید وقتی پذیرش احساس دیگری، که اولین مرحله همدلی است، درست پیش نرود، چه اتفاقی برای سایر مراحل ارتباطی بین انسان‌ها می‌افتد؟ همسرانی که احساسات یکدیگر را انکار می‌کنند، والدینی که احساسات کودکشان را به رسمیت نمی‌شناسند، کارمند و ارباب رجوعی که همدیگر را درک نمی‌کنند، کادر درمانی که موفق به برقراری رابطه متناسب با حال روحی بیمار نمی‌شوند و...

در واقع شناسایی احساسات خود و دیگران، پذیرش آنها و واکنش سنجیده و مناسب، از پایه‌های مهم سلامت روان در جامعه است و از آنجایی که آموزش بسنده در جامعه وجود ندارد، ضروری است که متصدیان فرهنگی کشور به آموزش مهارت‌های زندگی برای تمام اقشار جامعه فارغ از سن و جنسیت اقدام کنند.

عاشورا، قیام علیه انحراف

پیشنهاد

صادق وفایی
خبرنگار

کتاب «قیام حسین(ع)» زنده‌یاد سیدجعفر شهیدی یکی از معدود آثار نسبتاً جدید و قابل توجه تحلیلی بازار نشر کشور درباره قیام امام حسین(ع) و حادثه عاشوراست که علل و پیشینه‌های این واقعه را کندوکاو می‌کند و نویسنده‌اش با نگاهی بی‌طرف و البته نسبتاً صریح حقایقی را که موجب به‌وقوع پیوستن عاشورا و شهادت امام حسین(ع) شد، با روایتی که خودش نیز در آنها حضور دارد، پیش روی مخاطب می‌گذارد. همان‌طور که در ماه محرم امسال کتاب دیگر این نویسنده یعنی «زندگانی علی بن الحسین» را مورد بررسی قرار دادیم، بنا داریم در مطلبی که در ادامه می‌آید، «قیام حسین (ع)» را نیز بر اساس مسائل و موضوعات محوری که در آن مطرح شده‌اند، مورد بررسی قرار دهیم. یکی از نکات قابل توجه درباره این کتاب، از این قرار است که شهیدی از الفاظ احترام برانگیز و همچنین تبعیض خوب و بد استفاده نکرده و از اسامی معمولی اشخاص استفاده کرده و از پیامبر و دشمنش با عناوینی چون محمد و ابوسفیان و از امام حسین و دشمنش با الفاظی چون حسین و یزید یاد کرده است. اما نویسنده در نتیجه‌گیری بی‌طرف نیست و مواضع تحلیلی و تاریخی خود را به‌صراحت مطرح کرده است. جان کلام شهیدی در این کتاب این است که پس از پیامبر (ص) و امام علی (ع)، تا زمانی که دوران امامت امام حسین (ع) شروع شد، با گذشت پنجاه سال از شروع دعوت اسلام، هم برادری اسلامی فراموش شد و هم خشم و انتقامجویی که در صحنه‌های جهاد در راه خدا نمایان می‌شد، به کینه‌توزی و خونخواهی قبیله‌ای بدل شد. یعنی به‌مرور اصل مساوات اسلامی از میان رفت و کار به‌جایی رسید که در پایان خلافت خلیفه سوم عثمان، قبیله قریش نه فقط از برای تصدی مقامات مهم دولتی بر غیرقریش برتری یافت، بلکه مقدمات برتر شمردن عنصر عرب از دیگر نژادهایی که مسلمانی را پذیرفته بودند هم فراهم شد. در

دوره معاویه هم این برتری‌فروشی آشکار شد. خلاصه کلام نویسنده هم از این قرار است که روح مساوات و برابری و عدم نژادپرستی که در زمان پیامبر(ص) بین اعراب جاهلی تقویت شده بود، با فقدان پیامبر (ص) دوباره تضعیف شد و اعراب به‌ظاهر مسلمان‌شده در نهایت ضربه خود را به اسلام وارد کردند و امام حسین(ع) برای جلوگیری از تأثیرگذاری بیشتر این ضربه، ناچار به رفتن به قتلگاه شد.

قیام حسین (ع)
نویسنده: سیدجعفر شهیدی
ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

چگونه می‌توانیم تصمیم‌های خوبی بگیریم؟

یک فنجان چای

دکتر محمدرضا ایمانی
روانشناس

تصمیم‌گیری یک مهارت است که در یک فرایند آموختنی و تمرینی می‌توانیم نسبت به تجزیه و تحلیل یک مسأله و حل مناسب آن اقدام نماییم و همواره از آن تصمیم احساس خوبی داشته باشیم.

امروزه برای اتخاذ یک تصمیم خوب راهکارهای تمرینی خوبی فراروی‌مان قرار گرفته که می‌توانند ذهن را با خود همسو ساخته و در نتیجه ما را در پیشبرد اهداف زندگی و کسب و کار بهره‌مند نماید. در این یادداشت به تعدادی از این روش‌ها اشاره خواهیم کرد:

۱- تکنیک کوله پشتی (Knapsak Problem): یکی از تکنیک‌های معروف حوزه بهینه‌سازی است. اگر بخواهیم خیلی ساده توضیح بدهیم، باید با یک مثال ساده این کار را انجام بدهیم. معمولاً سارقین در جدیدترین سبک‌های سرقت سعی دارند هوشمندانه سرقت کنند!

یک سارق را در نظر بگیرید که یک کوله‌پشتی دست گرفته است و وارد خانه‌ای شده است، حالا می‌خواهد کوله‌پشتی خود را از اشیا و لوازم قیمتی پر کند و پا به فرار بگذارد. کوله پشتی همراه او، یک وزن مشخص را می‌تواند تحمل کند مثلاً ۲۰ کیلو اما وسایلی که در خانه هست، وزن‌های مختلفی دارند. قیمت هر کدام هم متفاوت است. سارق قصه ما دنبال این است که وسایلی را بردارد که وزن‌شان کمتر و قیمت‌شان بیشتر باشد تا بتواند سود بیشتری از این سرقت ببرد.

بر اساس این تکنیک می‌توان آموخت که ذهن ما دارای ابعاد مشخصی است که نمی‌توان هر مسأله و موضوع کم اهمیت اما پر حجم و پر چالشی را که بهره‌وری پایینی را برایمان به همراه دارد در آن نگاه‌داشت و تحت اثر آن فعالیت‌های زندگی را دچار مخاطره ساخت. همواره انتخاب موضوعات مهم و ارزشمند در زندگی و تمرکز بر آنها می‌تواند به کیفیت تصمیم‌گیری‌هایمان اثر بگذارد.

۲- تئوری سوسک: این تئوری را ساندار پیچای (یک مهندس و مدیر اجرایی هندی تبار در حوزه فناوری اطلاعات)، در توسعه شخصی طرح کرده است. در این دیدگاه این‌گونه طرح می‌شود که «در یک رستوران، یک سوسک ناگهان از جایی پر می‌زند و روی یک خانمی می‌نشیند. آن خانم از روی ترس شروع به فریاد می‌کند. وحشت زده بلند می‌شود و سعی می‌کند با پریدن و تکان دادن دست‌هایش سوسک را از خود دور کند. واکنش او مسری بود و افراد دیگری هم که سر همان میز بودند وحشت زده می‌شوند. بالاخره آن خانم موفق می‌شود سوسک را از خود دور کند.

سوسک پر می‌زند و روی خانم دیگری نزدیکی او می‌نشیند. این بار نوبت او و افراد نزدیکش می‌شود که همین حرکت‌ها را تکرار کنند! پیشخدمت به سمت آنها می‌دود تا کمک کند. در اثر واکنش‌های خانم دوم، این بار سوسک پر می‌زند و روی پیشخدمت می‌نشیند. پیشخدمت محکم می‌ایستد و به رفتار سوسک روی لباسش نگاه می‌کند. زمانی که مطمئن می‌شود، سوسک را با انگشتانش می‌گیرد و به خارج رستوران پرت می‌کند.»

او همچنین اشاره می‌کند «در حالی که قهوه‌ام را مزه مزه می‌کردم، شاهد این جریان بودم و ذهنم درگیر این موضوع شد. آیا سوسک باعث این رفتار هیستریک شده بود؟ اگر اینطور بود، چرا پیشخدمت دچار این رفتار نشد؟ چرا او تقریباً به شکل ایده‌آلی این مسأله را حل کرد، بدون اینکه آشفتگی ایجاد کند؟

این سوسک نبود که باعث این ناآرامی و ناراحتی خانم‌ها شده بود، بلکه عدم توانایی خودشان در برخورد با سوسک موجب ناراحتی‌شان شده بود. من فهمیدم این فریاد پدرم، همسرم یا مدیرم بر سر من نیست که موجب ناراحتی من می‌شود، بلکه ناتوانی من در برخورد با این مسائل است که من را ناراحت می‌کند.»

در زندگی واقعی ما نیز موارد زیادی یافت می‌شود که ما را در تصمیم‌گیری یا انجام کاری دچار وقفه و یا مشکل می‌کند. برای مثال این ترافیک بزرگراه نیست که من را ناراحت می‌کند، این ناتوانی من در برخورد با این پدیده است که موجب ناراحتی و عصبانیت می‌شود. در موضوعات فراوان اما کم اهمیت در زندگی نباید واکنش نشان داد، بلکه باید پاسخ داد.

به همین سبب و با تمرین می‌توان واقعیات بسیاری از اتفاقات پیرامونی را پذیرفت و به صورت منطقی با آن مواجه شد. حفظ تمرکز، تلاش برای کنترل و تصمیم برای عبور یا حل مسأله می‌تواند به آرامش درونی و توانایی خودکنترلی کمک کند.

در زندگی امروز عوامل فراوانی برای تأثیرگذاری بر ما وجود دارند که می‌توانیم تحت تأثیر آنها واکنش‌های معقول یا انفعالی داشته باشیم. بررسی وزن و اهمیت موضوع، اتلاف وقت و هزینه‌های مالی و غیر مالی و میزان درگیری‌های مترتب را باید اندازه‌گیری نمود و سپس تصمیم گرفت که آیا به آن مسأله باید پرداخت یا خیر؟

در یادداشت بعدی به تعداد دیگری از این تکنیک‌ها خواهیم پرداخت.

عکس نوشت

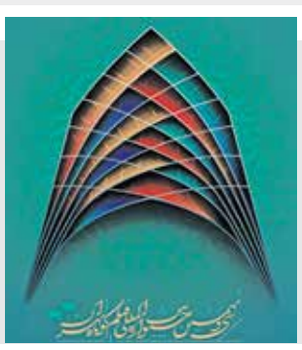

از پوستر سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران با طراحی و اجرای دانیال رحیمی کاشانی در مراسمی همزمان با روز ملی سینما در پردیس سینمایی چارسو رونمایی شد. در پوستر دوره سی‌ونهم جشنواره از دو رنگ «سبز ایرانی» و «نارنجی ایرانی» از میان ۹ رنگ جهانی ثبت شده به نام ایران، بهره گرفته شده است. همچنین المان برج آزادی به عنوان نماد شهر تهران و محل برگزاری جشنواره در مرکزیت این اثر قرار دارد. سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران به دبیری مهدی آذرپندار ۲۷ مهر تا ۲ آبان برگزار می‌شود.

رهایی

نگاره
احمدرضا سهرابی

هنرمندان در فضای مجازی

۲۱ شهریورماه در تقویم رسمی کشور به نام روز سینما ثبت شده است. اهالی سینما در این روز با بازنشر کلیپی از آثار سینمای ایران در دهه‌های مختلف این روز را تبریک گفتند. اهالی کتاب و موسیقی و تئاتر هم از فعالیت‌های تازه‌شان نوشتند.

امیر آقایی از جمله بازیگران سینماست که روز ملی سینما را تبریک گفته است. او با انتشار تصویری از عباس کیارستمی نوشته است: «اگر نیت یک ساله دارید گندم بکارید، اگر نیت ۱۰ ساله دارید درخت بکارید، اگر نیت ۱۰۰ساله دارید آدم تربیت کنید، سینما آدم تربیت می‌کند.»

شبنم مقدمی دریافت جوایز تازه بین‌المللی سینمای ایران با فیلم «جنگ جهانی سوم» و تقدیر از هومن سیدی کارگردان و محسن تنابنده بازیگر این فیلم در جشنواره ونیز را به باد این عبارات تبریک گفته است: «درخشش دوباره سینمای شریف ایران زمین در عرصه جهانی بسیار مبارک است. مبارک اهالی سینما و همه سینمادوستان، مبارک ایران و ایرانی، هزار شکر که سرافراز بودید و سبب سرافرازی ایران. سپاس که مایه افتخارمان شدید. سینمای ایران استوار و درخشان بادا...»

پردیس احمدیه با بازنشر تصویری از پوستر سریال «پوست شیر» با تصویری از پانته‌آ بهرام و این دیالوگ از او «مطمئن باش یک جوری گم و گور می‌شم که اگر بخوای هم نتونی پیدام کنی» از آغاز نمایش این سریال خبر داده است. سریال «پوست شیر» به کارگردانی جمشید محمودی، تهیه کنندگی نوید محمودی و نویسندگی جمشید محمودی و رضا بهاروند از چهارشنبه ۳۰ شهریور ساعت ۲۰ به شبکه نمایش خانگی می‌آید.

بهمن ارک خبر ثبت قرارداد اکران فیلم‌های «گیجگاه» و «ملاقات خصوصی» در جلسه اخیر شورای صنفی نمایش را بازنشر کرده است. فیلم سینمایی «گیجگاه» به کارگردانی عادل تبریزی بعد از فیلم «دوزیست» و فیلم سینمایی «ملاقات خصوصی» به کارگردانی امید شمس بعد از فیلم «نمور» در سرگروه‌های پردیس آزادی و ملت جایگزین می‌شوند.

وحید تاج با انتشار ویدیویی از کار تازه‌اش با آهنگسازی فرزان پورعارف و با اشعاری از فریدون مشیری خبر داده است.

امیر نادری به بهانه روز ملی سینما ویدیویی از آثارش و بخش‌هایی از صحبت‌هایش را بازنشر کرده است. او در این ویدیو می‌گوید: «من هیچ چیز غیر از سینما یادم نمیاد از بچگی، مثل همون بچه امیرو در «دونده». من خیلی زود در سینما زندگی کردم، فیلم دیدم، تخمه فروختم، پیسی فروختم، فیلم دیدم و فیلم دیدم.»

رضا اسماعیلی شاعر پیشکسوت آیینی بخش‌هایی از گفت‌وگویش با ایکنا درباره وظیفه ادبیات و شعر در قبال حرکت عظیم اربعین و لزوم پرداختن به این حرکت آیینی را بازنشر کرده است. او در بخشی از این گفت‌وگو آورده است: «یکی از رسالت‌های بزرگ شعر عاشورایی و اربعینی، به اهتزاز درآوردن پرچم توحید و یکتاپرستی، دعوت به عبودیت و بندگی و پیراستن جان و جهان دین از خرافه‌ها و گزافه‌هاست. شاعر اصیل عاشورایی باید به این دقایق و ظرایف معنوی توجه داشته باشد و دین را از گزند اژدهای هفت سر «خرافات» و «تحریفات» در امان نگاه دارد.»

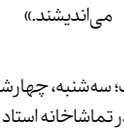

یوسف علیخانی گزارش تصویری از جشن امضای کتاب «از قبل یکشنبه می‌شود» و گپ و گفت با نویسنده کتاب، علی شاهمرادی در کتابفروشی آموت را منتشر کرده است.

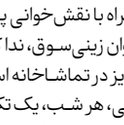

علی محمد مؤدب به بهانه زادروز تولد یوسفعلی میرشکاک شعری از مجموعه شعر «آنجا که نامی نیست» با این مطلع «به رخ برتافتن از من میوشان آفتایم را/ زمستان توام لبریز کن از خویش خوابم را» بازنشر کرده است.

داریوش مؤدبیان از برگزاری جلسه نقد و بررسی دفتر بیست و ششم مجموعه «طنزآوران جهان نمایش» با حضور مریم افشاری و آرین صفایی در کلاب هاوس خبر داده است. این برنامه چهارشنبه ۲۳ شهریورماه ساعت ۲۰ برگزار می‌شود.

علی اصغر عزتی پاک نویسنده و داستان‌نویس در صفحه اینستاگرامش مطلبی درباره واگذاری کتابخانه‌های کانون منتشر کرده است. او با نام بردن از این مرکز به عنوان یک میراث گرانقدر فرهنگی نوشته است: «انبوهی از آثار ادبی و هنری که توسط نویسندگان و هنرمندان ایران تولید شده‌اند، در حال خاک خوردن و تباه‌شدن در هزارتوی ندانم‌کاری‌های مدیران این مرکز مهم و اثرگذار است. مسئولان این نهاد، به جای اینکه فکری برای رساندن این محصولات بومی به دست کودکان و نوجوانان کشور بکنند، به سلب مسئولیت از خود می‌اندیشند.»

■ **دیگه چه خبر**

نمایشنامه‌خوانی «چُلاقِ آینیشمان» به مدت سه شب؛ سه‌شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه به ترتیب ۲۲، ۲۳ و ۲۴ شهریور ۱۴۰۱ هر شب ساعت ۱۹ در تماشاخانه استاد انتظامی خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. نمایشنامه «چُلاقِ آینیشمان» نوشته مارتین مک‌دونا با ترجمه زهره جواهری و به کارگردانی کیوان کثیریانِ همراه با نقش‌خوانی پریسا مقتدی، شقایق مسافر، ناصر مردانی، بهرام سروری‌نژاد، اردوان زینی‌سوق، ندا کوهی، شاهرخ رحمانی، فرزین پورمحبی، معصومه نورزاد و الناز پرویز در تماشاخانه استاد انتظامی خوانده می‌شود. همچنین در کنار این نمایشنامه‌خوانی، هر شب، یک تک‌گویی نیز اجرا می‌شود. «قوی‌تر» نوشته آگوست استریندبرگ با نقش‌خوانی افسون افشار در شب اول (سه‌شنبه ۲۲ شهریور) و «مونولوگ» نوشته هارولد پینتر با نقش‌خوانی حمید کاظم‌زاده و توفان مهردادیان در دو شب ۲۳ و ۲۴ به ترتیب چهارشنبه و پنجشنبه اجرا می‌شود. این خبر را الهام پاوه‌نژاد در اینستاگرامش بازنشر کرده است.